

بانویی که پیامبر(ص) او را افضل زنان بهشت نامید/ بشارت الهی برای ام‌المؤمنین

مدیرگروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات گفت: پیامبر (ص) درباره مقام حضرت خدیجه (س) می‌فرماید: بهترین زنان عالم مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه است؛ خدیجه افضل زنان بهشت است. وقتی مردم کافر بودند خدیجه به من ایمان آورد.



مدیرگروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات گفت: پیامبر (ص) درباره مقام حضرت خدیجه (س) می‌فرماید: بهترین زنان عالم مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه است؛ خدیجه افضل زنان بهشت است. وقتی مردم کافر بودند خدیجه به من ایمان آورد.

خبرگزاری فارس، گروه قرآن و فعالیت های دینی: حضرت خدیجه (س) را به عنوان مادر امت و ام‌المؤمنین می‌شناسند، بانویی که در کنار حضرت ابوطالب (ع) بزرگ‌ترین حامی نبی خدا در راه ترویج و شعائر الهی بود. کمک‌های این بانوی بزرگوار بود که باعث شد نهال اسلام به درخت توانمندی تبدیل شود. به مناسبت دهم ماه مبارک رمضان سالروز وفات مادر حضرت فاطمه زهرا (س) با حجت الاسلام والمسلمین امیرعلی حسنلو مدرس حوزه و مدیرگروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه درباره منزلت زن در تاریخ عرب جاهلی و چگونگی بروز و ظهور شخصیتی همانند حضرت خدیجه (س) در چنین جامعه‌ای به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌آید:

وضع زنان در عربستان جاهلیت بسیار رقت‌آور است

زنان در عرب جاهلی چه جایگاهی داشتند؟

عرب‌ها در شبه جزیره عربستان که منطقه گرمسیر و خشکی است سکونت داشتند. اکثر آن‌ها قبایل چادرنشین دور از تمدن بودند که با چپاول و غارتگری زندگی می‌کردند. از طرفی با ایران و از طرفی با روم و از طرفی دیگر با بلاد حبشه و سودان همسایه بودند. از این رو عمده عادات رسومشان رسوم وحشی‌گری بود و گاهی در میان آن‌ها پاره‌ای از عادات روم و ایران و بعضاً از عادات هند و مصر قدیم نیز یافت می‌شد. عرب برای زن هیچ استقلال در زندگی قائل نبود و حرمت و شرافتی برای او جز حرمت و شرافت خانواده نمی‌شناخت. بر زنان ارث نمی‌داد و تعدد زوجات را مانند یهود بدون هیچ تحدیدی جایز می‌دانست و همچنین طلاق را بدون هیچ قید و شرطی تجویز می‌کرد و دختران را زنده به گور می‌کرد.

معروف‌ترین نقاط عالم از حیث بدرفتاری با زنان، عربستان است، وقتی در کشورهای متمدن آن عصر مثل روم، یونان، ایران و هند از اطلاق عنوان انسانی بر زن دریغ می‌کردند و با او همان معامله را می‌کردند که با شیء مملوک یا بنده زر خرید می‌توان کرد. جای تعجب نیست که در عربستان جاهل، سرزمینی که در آن عصر در مراحل اولیه بربریت و نادانی سر می‌کرده، مردم آن سامان جگرگوشه‌های زیبا و میوه‌های ظریف عمر یعنی دختران بیگناه خود را زنده زیر خاک کنند.

در هر حال وضع زنان و دختران در عربستان جاهلیت بسیار رقت‌آور بوده، دختران در نظر پدران و زنان در نظر شوهران موجودی ضعیف و بی‌قیمت و شی‌ای قابل تملک و معامله بوده‌اند. آن‌ها معامله‌ای که با دختران خردسال می‌کرده‌اند، حیثیت و موقعیت زن را به خوبی معلوم می‌کند. زیرا اگر مادران تسلط و نفوذی را که زنان اقوام متمدن بایستی در محیط خانه داشته باشند می‌داشتند، عاطفه و مهر مادری آن‌ها به هیچ روی به پدران اجازه نمی‌داد دختران معصوم خود را زنده مدفون کنند. کشتن دختران در زمان جاهلیت در عربستان نشان می‌دهد که اختیارات مرد نامحدود و حتی مادر در درون خانه حق هیچ مداخله در امر زندگی نداشته است.

البته این جنایات در کلیه خانواده‌های عربستان عمومیت نداشته و بعضی خانواده‌ها تحت تأثیر عوامل دیگری از این عمل زشت برکنار بودند. ظاهراً اولین قبیله‌ای که به این جرم مبادرت ورزید قبیله بنی تمیم بود. در بعضی قبایل عرب دختران تازه زاییده شده را سر می‌بریدند. بعضی‌ها کودک را از بالای قله کوه به پایین پرتاب می‌کردند و بعضی دیگر دختر را در آب غرق می‌کردند. عموماً سیر کشتن دختران ترس از بی‌چیزی و فقدان مؤنه معیشت بود. اما اوهام و خرافات هم در ایجاد این وضع بی‌نصیب نبوده، تربیت و پرورش یک دختر جوان و تسلیم او به مرد اجنبی به نام شوهر در نظر اعراب جاهلی با حیثیت و شرف و شجاعت مرد و خانواده او منافات داشت! در عربستان به ولادت دختر فال بد می‌زدند و دختر پیدا کردن را شوم می‌دانستند. بیچاره زنی که دختر می‌زاید! معمولاً ولادت دختر را از دوستان و آشنایان مخفی می‌داشتند، مردی که خبر ولادت دخترش را می‌شنید خشمگین می‌شد و رنگش از غضب تیره می‌شد، از

روی خجالت زدگی خود را از مردمان پنهان می کرد یا از دختر خود با نهایت بی علاقه‌گی و بی اعتنائی نگهداری می کرد.

ماهیت زن در زمان عرب جاهلیت

نتیجه ای که در عربستان جاهلیت از کشتن دختران گرفته شد این بود که به تدریج زن کم یاب شد و هر سه یا چهار مرد بایستی به یک زن قناعت می کرد. این زناشویی وقیح و شرم آور را جایز دانستند و زن پس از وضع حمل بایستی شوهران خود را جمع کرده، پدری از میان آن ها برای طفل خود پیدا می کرد. ناگفته نماند در برخی خانواده ها برای زنان و به ویژه دوشیزگان در امر ازدواج کم و بیش استقلالی پیدا شده و رعایت رضایت و انتخاب زن می شد و این امر شبیه عادات اشراف ایران بود که در بعضی از اعراب هم نفوذ کرده بود. در هر صورت رفتار عرب با زنان ترکیبی از رفتار متمدنین ایران و روم و رفتار اهل توحش و بربریت بود. چون زنان را در حقوق خود مستقل نمی دانستند و به ایشان حق شرکت در امور اجتماعی مثل حکومت، جنگ و ازدواج جز در مورد استثنایی نمی دادند.

پس ماهیت زن را در زمان جاهلیت با رعایت کمال اختصار در چند جمله می توان نتیجه گرفت:

۱- اعراب جاهلی زن را انسانی هم افق با حیوان یا انسان ضعیف می شمردند که اگر آزادی در زندگی به دست آورد و از قید تبعیت آزاد شود از فساد و شرش نمی توان ایمن بود.

۲- زن را از پیکره اجتماع خارج دانسته، تنها حقی که برای او قائل بودند این بود که او را از شرایط مورد نیاز جامعه می دانستند، مانند مسکنی که باید بدان پناه برد یا مانند اسیری می شمردند که باید از کارش استفاده برد و از مکرش بر حذر بود.

۳- زن را از عموم حقوقی که ممکن بود که از آن ها سود ببرد محروم می داشتند، مگر به مقداری که آن هم بازگشت به نفع مردانی می شد که بر او قیومیت داشتند.

۴- اساس رفتارشان با زن غالبیت قوی و مغلوبیت ضعیف بود که مردان همیشه غالب بودند.

پیامبر اسلام (ص) منت عظیمی بر زنان عربستان گذاشت

این بود مختصری از ماهیت زن در زمان جاهلیت که با ظهور اسلام اکثر آن ها از بین رفت و باید گفت که به راستی پیامبر اسلام (ص) منت عظیمی بر بشر، خاصه بر زن و مخصوصاً بر زنان عربستان گذاشت. نه فقط زن را از این وضع رقت آور و فجیع نجات بخشید، بلکه به او حق حیات اجتماعی و اخلاقی داد تا در اغلب حقوق با مرد متساوی شوند. به طوری که زن های صدر اسلام در مصالح عامه مداخله داشته اند و عده زیادی از زنان مسلمان همت به یادگیری علم و ادب گماشتند.

از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر (ص) را همیشه گرامی می داشت

در چنین جامعه ای، حضرت خدیجه (س) چگونه بروز و ظهور یافت؟

حضرت خدیجه (س) دختر خویله بن اسد بن عبدالعزّی بن قصی بن کلاب. نام مادر او فاطمه دختر زانده بن اصم از زندگی او تا قبل از ازدواج با پیامبر (ص) خبرهای چندانی در دست نیست ولی همه اخبار حاکی از آن است که وی زنی ثروتمند و در عین حال شرافتمندی بود و از این رو او را طاهره می خواندند. حضرت خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر (ص) با توجه به ثروت فراوانی که داشت با دادن سرمایه تجاری بسیاری از مردم در سود تجارت آنان شریک می شد.

در این میان با توجه به شهرت پیامبر (ص) در دوره جوانی به امانتداری و صداقت، خدیجه خود خواهان آن شد که حضرت محمد (ص) با سرمایه او و به همراه غلامش میسرّه به تجارت شام برود. چون پیامبر (ص) به همراه میسرّه به این سفر رفت در حالی که ۲۵ سال بیشتر نداشت. در راه در نزدیکی شام با راهبی نصرانی برخورد کرد و او مژده نبوت حضرت را داد. پیامبر (ص) در شام اموال کاروان خود را سریع تر از دیگران فروخت و با سود بیشتری به مکه بازگشت.

وقتی خدیجه (س) از امانت داری حضرت (ص) آگاهی افزونی یافت و از سوی دیگر از پیش گویی راهب نصرانی با خبر شد. خود از طریق عمویش عمر و بن اسد به خواستگاری حضرت فرستاد. پس پیامبر (ص) نیز با حمزه - پس از شنیدن

پیغام خدیجه (س) - به خواستگاری خدیجه رفت و این ازدواج صورت گرفت. البته بنا بر نقلی پیامبر (ص) به نزد خویله پدر خدیجه (س) رفت و با جلب نظر او با خدیجه ازدواج کرد. با بعثت پیامبر (ص)، خدیجه (س) به عنوان اولین ایمان آورنده حضرت (ص) را در تمام مراحل رسالت یاری نمود.

ابن اثیر به نقل از ابن اسحاق آورده است که: خدیجه نخستین مسلمان بود. پس خدا بدین امر بار اندوه رسولش را سبک کرد. وقتی پیامبر (ص) با خدیجه راز دل می گفت، خدیجه از اندوه او می کاست و او را تصدیق می کرد و کار مردم را بر او آسان می کرد. ابن حجر آورده است که از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر (ص) را همیشه گرمی می داشت و سخن او را قبل و بعد از بعثت تصدیق می کرد. نیز آمده است که وقتی کفار مسلمین را در مکه مورد حصر و تحریم اقتصادی و اجتماعی قرار دارند و مسلمانان در محله شعب ابی طالب یا بنی هاشم جمع شدند تا در کنار هم مشکلات این تحریم را سپری نمایند، خدیجه تمامی اموال خود را در طول سه سال بین مسلمین انفاق کرد.

عقیف کندی می گوید: در جاهلیت به مکه آمدم و چون خواستم برای خانواده ام عطریات و لباس تهیه کنم به نزد عباس بن عبدالمطلب رفتم به کعبه نگاه کردم که دیدم جوانی به طرف کعبه آمد و رو به کعبه ایستاد، پس نوجوانی و زنی به دنبال او آمدند و در کنار و پشت او ایستادند و چون او به رکوع و سجود رفت آنان نیز چنین کردند، چون از عباس در خصوص آنها پرسیدم، گفت: محمد، علی و خدیجه هستند. هم چنین آمده است که چون حضرت جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و وضو گرفتن و نماز خواندن را به حضرت آموخت. پیامبر نیز به خدیجه آموخت. پس خدیجه وضو گرفت و نماز خواند.

تمام فرزندان پیامبر غیر از ابراهیم از خدیجه(س) بودند. برای خدیجه ۴ دختر به نام های رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه و یک پسر به نام قاسم و بنا بر نقلی دو پسر به نام های قاسم و عبدالله نام برده اند. برخی نیز سه پسر برای خدیجه بر شمرده اند به نام های قاسم، طاهر و طیب.

بشارت الهی برای ام المؤمنین/ پیامبر (ص) افضل زنان بهشت را چه کسی می داند؟

پس از آنکه محاصره مشرکین علیه مسلمانان در اول سال دهم بعثت پایان یافت، خدیجه (س) که مشقات فراوانی را متحمل شده بود در سن ۶۵ سالگی مریض شد. پیامبر (ص) در آخرین لحظات بر بستر خدیجه حاضر شد و او را به همنشینی با مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و کلثوم دختر موسی در بهشت بشارت داد. سرانجام خدیجه در رمضان سال دهم وفات کرد. چند روز پس از آن ابوطالب نیز رحلت کرد. چون خبر رحلت ابوطالب نیز به پیامبر (ص) رسید فرمود: دو مصیبت بر این است در این ایام وارد شده است و من نمی دانم که کدام یک از این دو برایم سخت تر است.

از رسول خدا نقل شده که حضرت جبرئیل نزد من آمد و گفت که از سوی پروردگار و از سوی من به خدیجه سلام بده و او را به خانه ای از زبرجد در بهشت که هیچ سر و صدا و رنجی در آن نیست بشارت بده. به همین خاطر پیامبر (ص) درباره مقام و شأن حضرت خدیجه می فرماید: بهترین زنان عالم مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه است؛ خدیجه افضل زنان بهشت است. وقتی مردم کافر بودند خدیجه به من ایمان آورد، وقتی مرا تکذیب می کردند او مرا تصدیق می کرد، وقتی مرا محروم کردند او مالش را در اختیار من قرار داد.

پیام حضرت خدیجه (س) به همه مردم

بنابراین آنچه در منابع درباره وضع زنان گفته شده، نشان دهنده فرهنگ عمومی جامعه بود. نه اینکه هیچ استثنایی وجود ندارد. بلکه غیر از خدیجه زنان دیگری نیز بودند که استقلال داشتند. خدیجه در این زمان مستقل از شوهر زندگی داشت. وضع غالب زنان آن گونه توصیف شده که از جایگاه اجتماعی مستقلی برخوردار نبودند. چنان که می دانید در هر شرایط و هر جامعه ای استثنائاتی وجود دارد که تابع شرایط فرهنگی و سیاسی غالب نیستند. خدیجه در ایمان به پیامبر(ص) نیز استثنا بود. در وفا و یاری پیامبر(ص) نیز نظیر نداشت. در جامعه فعلی ما نیز زنانی یافت می شوند از آن بانو الگو گرفته اند.

خدیجه در ایثار و ایمان نقشی ایفا کرد تا برای همه زنان و مردان بگوید زن می تواند در حمایت از هدایتگران جامعه نقش های بزرگ ایفا کند و او با رفتار خود اعلام کرد که اسلام با دو عنصر انسانی مرد و زن شروع شده، از یک خانواده کوچک که زمانی نماز را با نفرات محدود برگزار می کردند و مشرکان به نماز آن ها مسخره می گرفت. اما پایداری این زن و مرد اسلام را به جایی رساند که امروز بیش از یک میلیارد پیرو نمازگزار دارد و به زودی تمام جهان را فرا خواهد گرفت؛ پیام خدیجه (س) به همه مردم این است که از اندکی جمعیت نهراسید، از تحریم اقتصادی نهراسید، پیروزی نهایی با اسلام،

مسلمین و مقاومت است. پیام دیگر خدیجه این است که مرد از دامن زن به معراج می رود. سعادت جامعه در گرو پشتیبانی زن از مرد است و هیچ جامعه ای نتوانسته است بدون حضور و ایثار زن در تربیت نسل و حمایت از مرد به سعادت و پیشرفت برسد.